

جایگاه بندر بوشهر و روابط اقتصادی - سیاسی ایران با انگلستان در منطقه خلیج فارس (اواخر قرن هجدهم تا آغاز قرن بیستم)

دکتر عبدالکریم مشایخی^۱

چکیده

مقدمه

انگلستان که با تأسیس «کمپانی هند شرقی انگلیس»، در قرن هفدهم میلادی، تلاش خود را برای تسلط بر هند آغاز کرده بود، بدلیل پیوندی که بین استعمارکشور هند و سلطه بر خلیج فارس وجود داشت، خیلی زود جای پای خود در خلیج فارس بدست آورد.

اگرچه پایگاه اولیه انگلیسیها بندر «جاسک» بود، اما با گسترش قدرت و نفوذ بریتانیا در خلیج فارس (از سال ۱۷۶۳م / ۱۷۷۷ق) و تأسیس نمایندگی در بوشهر، آنجا را مقر اصلی فعالیتهای خود قرار دادند.

با تغییر سیاست دولت انگلستان، در خلیج فارس، از جنبه‌های اقتصادی محض به سمت منافع سیاسی و تأسیس نمایندگی سیاسی آن کشور (۱۸۱۲م / ۱۲۲۷ق) در بوشهر، کنترل مسائل خلیج فارس رسماً تحت سرپرستی نمایندگی سیاسی مقیم بوشهر قرار گرفت. از این زمان به بعد «بندر بوشهر» بعنوان معتبرترین بندر تجاری ایران شناخته شد که نقش حیاتی در دسترسی آن کشور به امپراطوری جنوب شرقی آسیا ایفا می کرد.

تاریخ حضور دولت انگلستان در بوشهر به سال ۱۷۶۳م / ۱۱۷۷ق به دوره کریمخان زند می رسد، که با انعقاد قرارداد «پرایس - سعدون» مقدمات حضور نظامی آنان، در ایران، فراهم گردید. از سال ۱۸۱۲ م / ۱۲۲۷ق که نمایندگی سیاسی انگلیس در بوشهر افتتاح شد تا زمان خروج آنان از این بندر استراتژیک (۱۹۴۹م / ۱۳۲۷ش)، به مدت دو قرن، فعالیتهای اقتصادی و سیاسی کرانه‌های شمالی و جنوبی خلیج فارس از طریق این بندر اداره می شد؛ باتوجه به اینکه بوشهر در دوره قاجار معتبرترین بندر تجاری ایران و دروازه خلیج فارس بود؛ بنابراین، ضرورت مطالعه نقش این بندر، در تصمیم‌گیریهای دولتمردان انگلیس در آن دوره حساس، بسیار حائز اهمیت است. مقاله حاضر، نگاهی تحلیلی به جایگاه و اهمیت تاریخی بوشهر در روابط «ایران و انگلستان»، از اواخر قرن هجدهم تا اوایل قرن بیستم میلادی دارد.

کلیدواژگان

بندر بوشهر؛ روابط اقتصادی؛ ایران؛ انگلستان؛ خلیج فارس؛ کمپانی هند شرقی

۱. استاد دانشگاه و مدیر بنیاد ایران‌شناسی، شعبه بوشهر

وادلا^۶، نایب کنسول فرانسه در بوشهر، که تا پایان جنگ جهانی اول (۱۹۱۸ - ۱۹۱۴ م / ۱۳۳۷ - ۱۳۳۲ ق) در این شهر زندگی می‌کرد، در اثر خود بنام *خلیج فارس در عصر استعمار* درباره حضور نخستین انگلیسیها در مشرق زمین و تکاپوی تجاری آنان می‌نویسد:

«در سال ۱۸۵۱ م / ۹۸۹ ق جان نیوبری^۷ برای اولین بار به ایران و هرمز که در انحصار پرتغالیان بود سفر کرد و اقامتش شش هفته به طول انجامید» (وادلا، ۱۳۶۴: ۶۷).

نیوبری با سه تن از هم میهنانش در سال ۱۵۸۳ م / ۹۹۱ ق به هرمز مراجعت کرد و در صدد فعالیتهای بازرگانی برآمد، اما این شخص بوسیله آلبوکرک^۸ فرمانده پرتغالی هرمز، بازداشت و به نزد نایب السلطنه (گوا)^۹ روانه شد. بنابر نوشته وادلا، از همان زمان، انگلیسیها بطور عملی در زمینه بازرگانی با هندوستان و ایران علاقمندی نشان داده، دست به فعالیتهای جدی زدند (همانجا).

آرنولد ویلسون^{۱۰} مؤلف کتاب *خلیج فارس* اعتقاد دارد که از آغاز فعالیتهای کمپانی هند شرقی در ایران (۱۶۰۰ م / ۱۰۰۹ ق) به مدت چندین سال، فعالیتهای آن کمپانی فقط جنبه تجاری داشت و از نیمه دوم قرن هفدهم میلادی، سیاست آنها تغییر کرد و رفته رفته اقدامات و فعالیتهایشان رنگ سیاسی بخود گرفت (ویلسون، ۱۳۴۲: ۱۵۳).

امین، نظریه ویلسون را تأیید نموده و اصلیتین دغدغه انگلیسیها را امر تجارت و فعالیتهای تجاری دانسته و تصریح می‌نماید که تلاش کارمندان کمپانی هند شرقی، چه در هند چه در خلیج فارس و چه در جاهای دیگر، پرهیز از حضور در مقولات سیاسی بوده و آنها تمام سعی خود را به امر تجارت اختصاص داده بودند (امین، ۱۳۶۷: ۳۰).

مقاله حاضر نگرشی تحلیلی است، بر جایگاه بوشهر در گسترش نفوذ انگلستان بر سراسر سواحل خلیج فارس (از اواخر قرن هجدهم میلادی تا آغاز قرن بیستم) و در این راستا تلاش شد با تکیه بر اسناد و منابع دست اول نقش این شهر بندری در توسعه روابط اقتصادی سیاسی ایران با انگلیس، در دوره قاجار نیز مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

نخستین تلاشهای انگلستان برای حضور در آبهای خلیج فارس

آنتونی جنکینسون^۲، اولین نماینده سیاسی و تجاری انگلیس در زمان شاه طهماسب اول بود، که در نوامبر ۱۵۶۲ م / ۹۷۰ ق از طرف «شرکت تجاری مسکوی»^۳ به قزوین پایتخت وقت صفویه رسید، اما مورد توجه چندانی قرار نگرفت (هوشنگ مهدوی، ۱۳۵۵: ۴۱). در سال ۱۶۰۰ م / ۱۰۰۹ ق ملکه الیزابت طی فرمانهایی در صدد ایجاد «کمپانی هند شرقی انگلیس» (ایک)^۴ برآمد.

عبدالامیر امین، محقق عرب، که سالها درباره حضور انگلیسیها در خلیج فارس پژوهش کرده، در کتاب *منافع انگلیسیها در خلیج فارس* که درباره فعالیتهای اقتصادی و سیاسی بریتانیا از قرن شانزدهم میلادی تا حکومت کریمخان زند نگاشته است، پیرامون چگونگی حضور نخستین انگلیسیها در شرق می‌نویسد:

«در سال ۱۶۰۱ م / ۱۰۱۰ ق چهار کشتی از لندن بادبان برافراشتند و تحت فرماندهی لانکستر^۵ به اقیانوس هند آمدند و برای اولین بار دفتر تجاری انگلستان را تأسیس کردند. این کشتیها همگی در سال ۱۶۰۳ م / ۱۰۱۲ ق، مملو از کالاهای گرانبیامت و نادر شرق، به لندن بازگشتند و بدین ترتیب بود که انگلستان به شرق پا نهاد» (امین، ۱۳۶۷: ۱).

6. Vadela
7. John Newbery
8. Alphonso De Albuquerque
9. Goa
10. Arnold Wilson

2. Anthony Jenkinson
3. Moscow business
4. (The British East India Company) Aik
5. lankester

و ناامنی مجبور شد به نقطه دیگری نقل مکان نماید. انگلیسیها، در سال ۱۷۳۸ م / ۱۱۵۱ ق، توجه خود را به بصره معطوف داشتند؛ لیکن بعد از مدتی، در سال ۱۷۵۴ م / ۱۱۶۸ ق، عمال کمپانی تلاش نمودند تا نمایندگی خود را به «بندر ریگ» منتقل نمایند.

ویلم فلور^{۱۱} مؤلف گرانقدر هلندی که تألیفات ارزشمندی در زمینه فعالیت‌های هلندیان و دیگر اروپاییان در خلیج فارس نگاشته است، در این باره می‌نویسد:

«انگلیسیان در برابر فعالیت‌های هلندیان، نمایندگی در بندر ریگ تأسیس کردند، اما هنوز یکسال نگذشته بود که میرمهنا، حاکم بندر ریگ، آن را از میان برد. انگلیسیان معتقد بودند که هلندیان در از بین رفتن این نمایندگی دست داشتند» (فلور، ۱۳۷۱: ۱۵۱).

تحریکات هلندیها علیه انگلیسیها در بندر ریگ سبب گردید که عمال کمپانی انگلیس به چاره‌اندیشی بپردازند و محل جدیدی را برای فعالیت‌های نمایندگی خود مدنظر قرار دهند. قبل از اینکه نمایندگی کمپانی هند شرقی در بوشهر تأسیس شود، دوگلاس^{۱۲} نماینده این کمپانی در بندرعباس بعد از تحقیق و بررسی موقعیت بنادر مختلف ایران، در سال ۱۷۶۳ م / ۱۱۷۷ ق، بوشهر را برای این مقصود پیشنهاد نموده بود.

دوگلاس در گزارش خود بوشهر را شهری معرفی کرده که از سه جهت به دریا محدود می‌شود و در صورت نیاز، نمایندگی می‌تواند از موقعیت و منافع خود دفاع نماید. مخارج مناسب اقامت در این شهر بندری و نزدیک بودن آن به شیراز که در آن روزگار پایتخت دولت زندیه بود، از دلایل دیگری بود که بوشهر را از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌ساخت (هوشنگ مهدوی، ۱۳۵۵: ۲۰۸).

موقعیت مناسب بندر بوشهر برای تأسیس دفتر نمایندگی کمپانی هند شرقی، در دوره زمامداری نادرشاه، به مرحله

اما این کمپانی بتدریج دریافت که دخالت در پاره‌ای از مسائل سیاسی برای تسهیل در امر تجارت ضروری است؛ بنابراین، برای حصول به اهداف اقتصادی و گرفتن امتیازات، خود را ناگزیر یافت تا برغم سیاستهای کارگزاران کمپانی در هند، با ایرانیها متحد گردد تا بدین وسیله در برابر رقیب اروپایی خود، «پرتغال»، وارد کارزار شود.

نخستین اقدام سیاسی و نظامی انگلیسیها، علیه پرتغالیها صورت گرفت. پرتغالیها نخستین گروه از اروپاییان بودند که به خلیج فارس آمده و تجارت آن را به انحصار خود در آورده بودند (نشأت، بی تا: ۹۷).

ناراضیتی شاه عباس صفوی از پرتغالیها همراه با رقابت‌های تجاری انگلیسیها با آنها، زمینه عملیات مشترک ایرانیان و انگلیسیها علیه پرتغالیها را، در سال ۱۶۲۰ م / ۱۰۳۰ ق فراهم ساخت.

در ماه آوریل ۱۶۲۲ م / ۱۰۳۲ ق «قلعه هرمز»، پایگاه عمده و کلیدی پرتغالیها، به تصرف نیروهای مشترک ایران و انگلیس درآمد و پرتغالیها از هرمز بیرون رانده شدند. براساس قراردادی که انگلیسیها با شاه صفوی و حکمران فارس، امام قلیخان، انعقاد نموده بودند، آنها فعالیت‌های تجاری خود را در بندر «گمبرون» (بندر عباس) مستقر ساختند و بدین ترتیب موقعیت انگلیسیها در خلیج فارس گسترش زیادی یافت (همان: ۱۰۶).

اولین نمایندگی بریتانیا در خلیج فارس قبل از غلبه بر پرتغالیها براساس فرمانی که در سال ۱۶۱۷ م / ۱۰۲۷ ق کمپانی هند شرقی صادر شده بود، در «جاسک» آغاز بکار کرد (الهی، ۱۳۷۰: ۶۱). بعد از پیروزی انگلیسیها و ایرانیان بر پرتغالیها، انگلیسیها بر فعالیت‌های بازرگانی خود افزودند، اما اختلافات تجاری در زمینه عایدات گمرک بندرعباس تنش‌های زیادی بین ایرانیها و انگلیسیها به وجود آورد.

پس از هجوم افغانه به ایران، در سال ۱۷۲۲ م / ۱۱۳۵ ق، دوران هرج و مرج فرارسید. نمایندگی کمپانی بدلیل اغتشاش

11. Willem Floor
12. Douglas

رفتار ناشایستی با اروپاییان در پیش گرفت و نماینده انگلیسیها که در اصفهان مستقر بود، چندین بار آماج ضرب و شتم مأموران حکومتی قرار گرفت (فلور، ۱۳۷۱: ۱۸۲).

انعقاد قرارداد «پرایس^{۱۵} - سعدون» در دوره کریمخان زند و گسترش نفوذ اقتصادی - سیاسی انگلستان در ایران

در جنگ برسر قدرت و جانشینی نادرشاه افشار، سرانجام کریمخان زند، از سرداران لایق او، پیروز شد و (۱۷۵۳م/ ۱۱۶۶ق) حکومت مرکزی باثباتی را در قسمتهای جنوب و غرب ایران ایجاد کرد؛ چنانکه امین متذکر می‌شود، ثبات و امنیت سیاسی که در پرتو حکومت خان زند برقرار گردید، موجب شکوفایی و رونق اقتصادی در شهرهای بصره؛ بوشهر؛ خارک و بندرریگ شد. انگلیسیها که در این زمان در تکاپوی کسب امتیازات اقتصادی بودند و از نیات مثبت کریمخان در زمینه بسط روابط تجاری با دول اروپایی، خاصه در مناطق جنوبی کشور آگاه شده بودند، به نماینده خود پرایس که از طرف کمپانی هند شرقی انگلیسی مأموریت داشت، دستور دادند، قراردادی با شیخ سعدون، نماینده حکمران بوشهر، منعقد نماید. این قرارداد در دوم ژانویه ۱۷۶۳ میلادی برابر با شانزدهم رجب ۱۱۷۶ قمری، در ده ماده انعقاد یافت (امین، ۱۳۶۷: ۹۰).

سرپرسی سایکس^{۱۶} مؤلف تاریخ ایران و بنیانگذار «نیروهای اس. پی. آر»^{۱۷} (نیروهای پلیس جنوب) درباره این قرارداد می‌نویسد:

«کریمخان خیلی مایل بود که تجارت بریتانیا را دوباره رواج دهد و فرمان او کاملاً شرایط مساعدی را در برداشت» (سایکس، ۱۳۶۳: ۴۰۵). همان طوری که سایکس اعتراف کرده، قراردادی که نماینده حاکم وقت بوشهر و خان زند با انگلیسیها منعقد کردند و امتیازاتی که به آنها دادند، زمینه یک شرایط عادی را برای آنان در خلیج فارس و بوشهر به وجود آورد و باعث توسعه نفوذ اقتصادی و سیاسی انگلستان، در بوشهر و در نهایت ایران شد.

15. William Andrew Price

16. Sir Percy Sykes

17. S.P.R

عمل نرسید و بنظر می‌رسد که صرفنظر از دوران فترتی که بدنبال هجوم افغانها در اواخر دوره صفویه تا ظهور نادر بر ایران حاکم بود، انگلیسیها از امنیت و آرامش بیشتری در قلمرو پادشاهی عثمانی (بندر بصره) برخوردار بودند و همین مسئله سبب گردید که آنها قریب ۲۰ سال در بصره، به فعالیتهای بازرگانی اشتغال ورزند.

در اینجا باید تصریح کرد، که نادرشاه افشار در دوران زمامداری خود، اگرچه از امکانات نیروی دریایی انگلیسیها استفاده نمود، ولی هرگز روی خوش به آنها نشان نداد و همواره در ممانعت از تماس فرمانداران جنوب با انگلیسیها جدی بود.

اسماعیل رایین در کتاب دریانوردی ایرانیان نامه‌ای را ارائه نموده که نادرشاه به شیخ نصرخان، حاکم وقت بوشهر، درباره تماس وی با یک نفر انگلیسی نگاشته است. در این نامه نادرشاه هشدار می‌دهد که از تماس با انگلیسیها پرهیز شود و درباره مسائل خلیج فارس و جزایر آن مذاکره‌ای انجام نشود (رایین، ۱۳۵۶، ج ۲: ۶۴۰).

در فاصله مرگ نادرشاه، (۱۷۴۷ م / ۱۱۶۰ ق) تا زمان استقرار سلسله قاجار، فقط در دوران کوتاه زمامداری کریمخان زند و برخی از جانشینان او بود، که نظمی اندک در ایران برقرار گردید. بلافاصله بعد از قتل نادرشاه، هرج و مرج و آشفتگی سراسر ایران، خاصه نواحی ساحلی ایران، در خلیج فارس را فراگرفت. برغم خبرهای خوشی که درباره جانشینان نادر بر سر زبانه بود برادر عادلشاه^{۱۳}، ابراهیم میرزا^{۱۴}، که بعد از قتل برادر خود در اصفهان اقامت یافته بود،

۱۳. علی قلیخان که بعد از قتل نادر با عنوان عادلشاه در مشهد به سلطنت نشست و تمام اولاد ذکور نادر را با نهایت قساوت به قتل رساند، او نیز بدست برادرش نابینا گردید و سرانجام به انتقام خود نادر، در خراسان به قتل رسید.

۱۴. ابراهیم میرزا که در زمان علی قلیخان حکمران عراق و اصفهان بود، بعد از شکست برادرش در تبریز به سلطنت نشست، اما در جنگ با هواداران شاهرخ پسر رضا قلی میرزا دستگیر و به قتل رسید. برای آگاهی بیشتر ن. ک. به: زرین کوب، عبدالحسین؛ روزگاران، تهران: انتشارات سخن، چاپ نهم، ۱۳۷۸، ص ۷۵۵.

در ماده هشتم این قرارداد به انگلیسیها اجازه داده شده بود که آزادانه به فعالیتهای دینی پرداخته و پایگاه مناسبی برای نفوذ توسعه طلبانه خود فراهم نمایند.

احمد فرامرزی در کتاب کریمخان زند و خلیج فارس درباره بازتاب سیاسی و اقتصادی قرارداد خان زند با انگلیسیها در تاریخ معاصر سیاسی ایران می نویسد:

از آن تاریخ (۱۷۶۳ م / ۱۱۷۷ ق) به بعد، نمایندگی انگلیس در بوشهر از صورت نمایندگی یک شرکت تجاری خارج شد و بصورت یک مرکز سیاسی درآمد که بر شیخ نشینهای ساحل غربی خلیج فارس حکومت می کرد. روی این اصل در نتیجه دادن این قبیل امتیازات، بدون توجه به عواقب آن، حکومت بر آبهای خلیج فارس حق مسلم و بلامعارض انگلیسیها شد؛ چنانکه، شیوخ سواحل خلیج فارس و سکنه آن، ژنرال انگلیسی مقیم بوشهر را «رییس خلیج» خطاب می کردند و عملاً هم او فرمانروای مطلق بر آبهای خلیج فارس بود؛ زیرا ایران، به هیچ عنوان، دارای قوای دریایی نبود و اهمیتی هم به حکومت بر آبهای شور نمی داد (فرامرزی، ۱۳۴۶: ۹۳).

روابط حسنه خان زند با انگلیسیها بیش از سه سال طول نکشید. در سال ۱۷۶۷ م / ۱۱۸۱ ق انگلیسیها بدلیل

آرنولد ویلسون نیز قرارداد ۱۷۶۳ م / ۱۱۷۶ ق انگلیسیها با شیخ بوشهر، شیخ سعدون، را در تاریخ خلیج فارس دارای تأثیر و اهمیت زیادی می داند (ویلسون، ۱۳۴۲: ۲۰۹).

قرارداد خان زند با انگلیسیها شامل ده ماده بود. در بند هفتم از این قرارداد که باید آن را «قرارداد فروش بندر بوشهر و ایران» نامید، چنین آمده است:

«شرکت انگلیسی می تواند در هر نقطه بوشهر و یا در هر بندر دیگر که در خلیج فارس انتخاب نماید، آن قدر زمینی که برای ساختمان یک نمایندگی تجاری لازم باشد، تصرف کند» (حائری، ۱۳۷۲: ۲۰۸).

بر اساس این ماده، انگلیسیها بطور قانونی حق ایجاد پایگاه اقتصادی و حتی نظامی را در خاک بوشهر بدست آوردند و در این زمینه هیچ محدودیتی برای آنها وجود نداشت.

از طرف دولت ایران، یک باغ به همراه یک عمارت بعنوان محل تجارتخانه و نیز قطعه زمینی جهت قبرستان در بوشهر به انگلیسیها داده شد (ویلسون، ۱۳۴۲: ۲۰۸). بنظر می رسد که قبرستان انگلیسیها در محله «بهمنی بوشهر» از نظر قدمت تاریخی به چنین دوره ای متعلق باشد.



قبرستان انگلیسیها، محله بهمنی، دوره پهلوی، بوشهر؛ مأخذ: آرشیو عکس بنیاد ایران شناسی، شعبه بوشهر



کارکنان کنسولگری انگلیس در بوشهر؛
مأخذ: آرشیو عکس بنیاد ایران‌شناسی، شعبه بوشهر

اختلافاتی که با کریمخان پیدا کردند، دفتر نمایندگی خود را در بوشهر تعطیل کرده و کلیه تجارت ایشان متوجه بصره گردید. چنانکه آرنولد ویلسون می‌نویسد: «خسارات عمده‌ای از این حیث به ایران وارد آمد» (ویلسون، ۱۳۴۲: ۲۱۴).



ساختمان تلگرافخانه هند و اروپا محله شنبه‌یی بوشهر؛
مأخذ: آرشیو عکس بنیاد ایران‌شناسی، شعبه بوشهر

گسترش نفوذ بریتانیا در خلیج فارس (قرن نوزدهم میلادی)

در آستانه قرن نوزدهم میلادی درحالی که انگلستان نفوذ خود را در هند کامل کرده و موقعیت خویش را در خلیج فارس بی‌رقیب می‌دید، با دو حریف سرسخت روبرو گردید. حریف اول ناپلئون^{۱۸}، امپراتور فرانسه، بود که برای درهم شکستن امپراتوری بریتانیا متوجه شرق شده بود؛ حریف دوم، امپراتوری روسیه تزاری بود که برای گسترش قلمرو خود در رسیدن به مرزهای آبی ایران، متوجه هند شده بود.

در دوره قاجار مدیران کمپانی هند شرقی، که خود را با دشمن ورقابت سرداری به نام ناپلئون مواجه می‌دیدند، درصدد برآمدند تا موقعیت استعماری خویش را هر چه بیشتر، با توجه به ضعف سلاطین قاجار و بیخبری دستگاه حکومتی، تثبیت نمایند. در این راستا کارگزاران دولت انگلیس ضمن تقویت نیروی دریایی خود در خلیج فارس، برای ارباب درباریان، شخصی به نام مهدی علیخان^{۱۹} را که اصلاً ایرانی بود، بعنوان

مرکز تجاری انگلیسیها مجدداً، در سال ۱۷۷۰ م / ۱۱۸۴ ق، از بصره به بوشهر انتقال یافت و به مدت یک قرن و نیم، به فعالیتهای تجاری و سیاسی، در جهت منافع آنها، اشتغال داشت.

البته تجار دیگر انگلیسی هم بودند که، در حوزه خلیج فارس، بصورت انفرادی فعالیت تجاری می‌کردند. این دسته از بازرگانان تحت حمایت کمپانی هند شرقی قرار داشتند و درصدی از فروش خود را بعنوان «حق کنسولی» بابت حمایتی که کمپانی از آنها به عمل می‌آورد و نیز در ازای استفاده از امتیازاتی، که کمپانی از سلاطین و شیوخ و حکمرانان منطقه می‌گرفت، به کمپانی پرداخت می‌کردند (امین، ۱۳۶۷: مقدمه).

18. Napoléon Bonaparte

۱۹. مهدی علیخان که برای حل مناقشات بین حاکم افغانستان و ایران به دربار فتحعلیشاه اعزام گردید، بعنوان کفیل نمایندگی «کمپانی هند شرقی بریتانیا» در بوشهر تعیین شده بود.

همچنین در منطقه «بهمنی» و «سبزآباد» بوشهر که دارای آب و هوای نسبتاً خوبی است، ساختمانهای ویلایی باشکوهی برای کنسول و دیگر کارمندان مقیم آنجا تأسیس کردند که برخی از آنها هنوز هم پابرجاست.



نایب کنسولگری انگلیس در بوشهر (محلۀ کوتی)، دهه ۱۳۱۰ق؛ مأخذ: آرشیو عکس بنیاد ایران‌شناسی، شعبه بوشهر

کنت دوگوبینو^{۲۳}، سفیر فرانسه در ایران، که به سال ۱۸۵۵ م / ۱۲۷۲ ق وارد بوشهر شده بود، درباره تأسیسات انگلیسیها در بوشهر می‌نویسد:

«تنها محلی که وضعی آبرومند داشت، اقامتگاه نماینده مقیم انگلیس بود، که خودش شهر کوچکی بشمار می‌رفت؛ محوطه آن بسیار خوب نگهداری می‌شد و در دو طرف دروازه‌اش دو نفر سپاهی قراول می‌دادند. برای نماینده مقیم، یک خانه زیبای یک طبقه به سبک اروپایی بنا شده که جلوی آن ایوانی با ستونهای زیبا قرار داشت. (یک خانه ظریف دیگر برای معاونش و اقامتگاهی مناسب برای پزشک و سایر وابستگان.) دو حیات خلوت، یک محوطه وسیع که دورادور آن، ساختمانهای خدمه و طویله قرار گرفته بود و بالاخره مکان وسیعی برای اقامت سپاهیان و افسران؛ بخشهای دیگر این شهرک را تشکیل می‌داد. هر قدر شهر ایرانی بد منظر و ناخوشایند بود، از تأسیسات انگلیسیها خوشمان آمد و به نظرمان تمیز و مناسب جلوه می‌کرد. هر شب

23. Joseph Arthur de Gobineau

نماینده خود به ایران فرستاد؛ لیکن اولین سفیر انگلستان، سرجان ملکم^{۲۰} بود که هنگام ورود به خاک ایران، از طریق حکام بوشهر و بندرریگ، پیشنهاد خود را راجع به تعهد اتحاد و دوستی با ایران و انجام یک‌سری تعهدات متقابل، به اطلاع زمامداران وقت رسانید.

متعاقب ورود ملکم، سفرای دیگری نیز از جانب انگلیسیها به ایران آمدند و زمینه عقد پیمانهای را با دربار قاجار فراهم نمودند که نتیجه انعقاد این‌گونه پیمانها گسترش نفوذ استعماری انگلیسیها در ایران بود. در این دوره از دخالت و نفوذ بریتانیا در خلیج فارس، که از سالهای ۱۸۸۲م / ۱۳۰۰ق شروع شد و تا سال ۱۹۴۷م / ۱۳۳۶ق، تداوم یافت بوشهر محل استقرار نماینده سیاسی مقیم انگلیس بود. به گفته سردنيس رایت^{۲۱} بوشهر، در دوره پادشاهی ناصرالدین‌شاه قاجار، بعنوان یک «ساتراپ» یا «نایب‌السلطنه» از جانب دولت بریتانیا در منطقه خلیج فارس، عمل می‌کرد و نماینده مقیم انگلیس در بوشهر «سلطان بی تاج و تخت انگلیس» قلمداد می‌شد (رایت، ۱۳۶۱: ۹۳).

انگلیسیها در بوشهر تأسیسات و بناهای مختلفی ایجاد کردند، از جمله در محله «شیخ سعدون» این شهر، اقدام به ساخت کنسولخانه؛ استحکامات نظامی؛ بیمارستان؛ داروخانه؛ کلیسا و زمین تنیس نمودند.

بدلیل ایجاد این تأسیسات، از آن پس محله شیخ سعدون، به نام محله «کوتی»^{۲۲} که یک واژه هندی است، معروف شد؛

20. Sir Jhon Malcolm

21. Sir Dinis Wright

۲۲. کوتی (Kuti) یک واژه هندی و منسوب به Kote است، به معنی قلعه؛ حصار؛ برج و بارو (تقوی شهریار دکترا با حیدر، اسلام آباد پاکستان)، مرکز تحقیقات فارسی ایران، پاکستان، ۱۳۷۰ شمسی، ۱۹۹۱ میلادی، ص ۳۲۶، کلمه Kute در انگلیسی تبدیل به «کورت» (Kort) شده است. در زبان اردو (کوتیلا) kotila به معنی قلعه کوچک و کوتوال؛ ر.ک. به: تقوی، شهریار؛ باحیدر؛ مرکز تحقیقات فارسی ایران، پاکستان، ۱۹۹۱، ص ۳۲۶.

نگهبان قلعه و قلعه‌بان است. عمارت «کوتی» (نایب کنسولگری انگلیس) بواسطه مسدود بودن چهار طرف آن، بوسیله اطاقها و راهروها، حکم قلعه یافته و به همین جهت بدین نام خوانده شد. ر.ک. به: حمیدی، جعفر؛ «عمارت کوتی»، ص ۱۶.

سرتاسر خلیج فارس شدند و کمی بعد نمایندگی سیاسی خود را در این منطقه مستقر کردند.

پس از شکست هلندیها از میرمهنای بندرریگی و خلاء قدرت ناشی از آن، عملاً این انگلیسیها بودند که سود بردند و اقدام به گسترش نفوذ سیاسی و حضور مستمر و قدرتمند خود در منطقه نمودند، در همین راستا (۱۸۱۲م/ ۱۲۲۷ق) دولت بریتانیا ضمن هماهنگی با کمپانی هند شرقی، اقدام به تأسیس نمایندگی سیاسی در بندر بوشهر نمود. (فهرست اسامی نمایندگان تجاری، سیاسی بریتانیا در بوشهر در پایان مقاله آمده است).

با گسترش نفوذ بریتانیا در حوزه خلیج فارس، در دوران پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار، این دولت از لحاظ نظامی؛ سیاسی و اقتصادی در کرانه‌های شمالی و جنوبی خلیج فارس بر دیگر رقیبان اروپایی و آسیایی خود برتری کامل یافت و در یک دوره تاریخی خلیج فارس، «خلیج بریتانیا» نامیده شد. بوشهر، در دوران حضور انگلیسیها در این بندر به منزله پایگاهی قلمداد می‌شد که منافع اقتصادی و سیاسی آنها را در هندوستان و خاور دور تأمین می‌کرد.

بدینسان بندر بوشهر به مدت یک قرن و نیم، مرکز فرمانروایی انگلستان در خلیج فارس بود و سیمای شهری را یافت که تعداد زیادی بازرگان انگلیسی؛ فرانسوی؛ روسی؛ آلمانی؛ ایتالیایی؛ نروژی و عثمانی در آنجا اشتغال داشتند و تلگرافخانه انگلستان و شش بانک انگلیس نیز در آنجا فعال بود. حضور انگلیسیها در بوشهر، با تیرگی روابط ایران و انگلیس، در دوران نخست‌وزیری مصدق متزلزل شد؛ بطوری که آنها مجبور شدند کنسولگری خود را (در سال ۱۹۵۳م / ۱۳۳۱ش) در بوشهر تعطیل نموده و پایگاه اصلی خود را به بحرین انتقال دهند.

هنگام غروب آفتاب، طبل بصدا درمی‌آمد و پرچم انگلیس را که وسط محوطه برافراشته بودند، طی مراسمی فرود می‌آوردند تا روز بعد برافرازدند» (گوبینو، ۱۳۶۷: ۱۲۲).



هفت بنگله، محله بهمنی، شهرک انگلیسیها، بوشهر؛ مأخذ: آرشیو عکس بنیاد ایران‌شناسی، شعبه بوشهر

نتیجه‌گیری

همانگونه که ذکر شد، استعمارگران اروپایی و در رأس آنان انگلیسیها، از اوایل قرن شانزدهم میلادی وارد خلیج فارس شدند و بنادر مهم و استراتژیک را شناسایی و از آن طریق به درون ایران راه یافتند.

قدرتهای اروپایی، از جمله انگلستان که در آن مقطع به خلیج فارس آمدند، صرفاً، برای توسعه روابط اقتصادی به آنجا وارد شدند و بنابراین کلیه تحرکات آنان را باید در این مقوله ارزیابی کرد. اما از اواخر قرن هجدهم میلادی انگلیسیها با عقد قراردادهایی با حکام محلی و حتی پادشاهان وقت ایران، اولین پایگاههای نظامی سیاسی خود را، در جزیره خارک و بندر بوشهر ایجاد کردند. آنان با عقد قراردادی با شیخ سعدون، نماینده و حکمران بوشهر، (۱۷۶۳ م / ۱۱۷۷ق) موفق به ایجاد مهمترین پایگاه سیاسی و اقتصادی خود در

اسامی نمایندگان تجاری، سیاسی بریتانیا در بوشهر

ردیف	سالشمار مأموریت	اسامی	عنوان	نام
۱	(۱۷۶۳م/۱۷۷۷ق)	بنجامین جرویس	نماینده مقیم	Benjamin Jervis
۲	(۱۷۶۶م/۱۸۰۰ق)	ویلیام بویر	نماینده مقیم	William Bowyear
۳	(۱۷۶۸م/۱۸۲۰ق)	جیمز مارلی	نماینده مقیم	James Morley
۴	(۱۷۷۵م/۱۸۸۹ق)	جان بیومونت	نماینده مقیم	John Beamont
۵	(۱۷۸۰م/۱۹۴ق)	ادوارد گالی	نماینده مقیم	Edward Galley
۶	(۱۷۸۹م/۲۰۴ق)	چارلز وات کینز	نماینده مقیم	Charles Watkins
۷	(۱۷۸۹م/۲۱۳ق)	مهدی علیخان	کفیل نمایندگی	Mehdi Alikhan
۸	(۱۸۰۲م/۲۱۷ق)	تی هنری لورت	نماینده مقیم	T. Henry Lort
۹	(۱۸۰۲م/۲۱۷ق)	ساموئل منستی	کفیل نمایندگی	Samuel Manesty
۱۰	(۱۸۰۳م/۲۱۸ق)	هنری لاوت	نماینده مقیم	Henry
۱۱	(۱۸۰۴م/۲۱۹ق)	ستوان ویلیام بروس	کفیل نمایندگی	Lieutenant William Bruce
۱۲	(۱۸۰۷م/۲۲۲ق)	نیکلاس هنکی اسمیت	نماینده مقیم	Nicolas Hankey Smith
۱۳	(۱۸۰۸م/۲۲۳ق)	ستوان چارلز ویلیام پاسلی	نماینده مقیم	Lieutenant Charls William Pasley
۱۴	(۱۸۱۱م/۲۲۶ق)	ستوان ویلیام بروس	نماینده مقیم تا سال ۱۸۲۲	Lieutenant William Bruce
۱۵	(۱۸۲۱م/۲۳۶ق)	دکتر اندرو جیوکز	نماینده مقیم	Dr. Andrew Jukes
۱۶	(۱۸۲۲م/۲۳۷ق)	سروان جان مکلود	نماینده مقیم	Capitan John Mcleod
۱۷	(۱۸۲۳م/۲۳۸ق)	سرهنگ سر افرایم گادیش استانویس	نماینده مقیم	Sir Ephraim Gorrish Stannus
۱۸	(۱۸۲۷م/۲۴۳ق)	سروان دیوید ویلسن	نماینده مقیم	Cpitan David Wilson
۱۹	(۱۸۲۹م/۲۴۵ق)	سرهنگ دوم کراون ویلیام فوول	کنسول ۱۱۰	Lieutenant - Coloned Craven William Fowke
۲۰	(۱۸۳۰م/۲۴۶ق)	دکتر جانمک نیل	نماینده مقیم	Dr. Sir John mec neill
۲۱	(۱۸۳۰م/۲۴۶ق)	سرهنگ اس. هنل	کفیل نمایندگی مقیم	Colonel S. Hennel
۲۲	(۱۸۳۱م/۲۴۷ق)	دی.ا. بلین	نماینده مقیم	D. A. Blane
۲۳	(۱۸۳۷م/۲۵۳ق)	سرهنگ هنل	کفیل نمایندگی مقیم	Colonel Hennel
۲۴	(۱۸۳۷م/۲۵۳ق)	سرگرد موریسون	نماینده مقیم	Magar Morison
۲۵	(۱۸۳۸م/۲۵۴ق)	سروان مکنزی	کفیل نمایندگی مقیم	Capitan Mackenzie

ردیف	سالشمار مأموریت	اسامی	عنوان	نام
۲۶	(۱۸۳۸م/۱۲۵۴ق)	سرهنگ اس هنل	نمایندهٔ مقیم	Colonel S. Hennial
۲۷	(۱۸۴۱م/۱۲۵۷ق)	سروان مکنزی	کفیل نمایندگی مقیم	Colonel Mackenzie
۲۸	(۱۸۴۲م/۱۲۵۸ق)	سرهنگ اچ . دی . رابرتسون	نمایندهٔ ارشد مقیم	Lieutenant - Colonel H. D. Robertsan
۲۹	(۱۸۵۲م/۱۲۶۸ق)	ستوان سر آرنولد بوروز کمبل	نمایندهٔ مقیم	Lieutenant - Sir Arnold Barrowes Kamball
۳۰	(۱۸۵۶م/۱۲۷۳ق)	سروان فلیکس جونز	نمایندهٔ مقیم	Capitan Felix Janes
۳۱	(۱۸۶۳م/۱۲۸۰ق)	سرلشکر سر لوئیس پلی	نمایندهٔ مقیم تا ۱۸۷۱م	Lieutenant - General Sir Lewis Paly
۳۲	(۱۸۷۲م/۱۲۸۹ق)	سرهنگ دوم ادوارد چارلز راس	نمایندهٔ مقیم	Colonel Edward Charles Ross
۳۳	(۱۸۷۸م/۱۲۹۵ق)	سرهنگ دوم ادوارد چارلز راس	سرکنسول	Colonel Edward Charles Ross
۳۴	(۱۸۹۱م/۱۳۰۹ق)	سرگرد ادلبرت سیسیل تالبت	سرکنسول	Major Adelbert Cecil Talbet
۳۵	(۱۸۹۴م/۱۳۱۲ق)	سرهنگ فردریک الکساندر ویلسون	سرکنسول	Colonel Fredrick Elecsander Wilson
۳۶	(۱۸۹۴م/۱۳۱۲ق)	سرهنگ دوم مالکوم جان مید	سرکنسول	Major Malcolm John Meade
۳۷	(۱۹۰۲م/۱۳۲۰ق)	سرهنگ دوم چارلز آرنولد کمبل	سرکنسول - اول ژوئن	Lieutenant - Colonel Charles Arnoil Kemball
۳۸	(۱۹۰۱م/۱۳۲۲ق)	سرلشکر سر پرسی زاخاریا کاکس	سرکنسول	Major - Genetal Sir Percy Zachariah Cox
۳۹	(۱۹۰۶م/۱۳۲۴ق)	جان هوگو هیپورن بیل	نمایندهٔ مقیم	John Hugo Hepuburn Bill
۴۰	(۱۹۱۳م/۱۳۳۱ق)	جان گوردون لاریمر	سرکنسول	John Gordon Lorimer
۴۱	(۱۹۲۰م/۱۳۳۸ق)	سرهنگ دوم آرتور پرستون ترور	سرکنسول	Lieutenant - Colonel Arthur Preston Treror
۴۲	(۱۹۲۴م/۱۳۰۱ش)	سرهنگ دوم فرانسیسکو بیول پرایدوکس	سرکنسول	Lieutenant - Colonel Francis Beville Prideaux
۴۳	(۱۹۲۷م/۱۳۰۴ش)	سرگرد لیونل برکلی هات هاورت	سرکنسول	Majar Liionel Berkely Hatt Haworth
۴۴	(۱۹۲۹م/۱۳۰۶ش)	سرهنگ دوم هیوونیست	سرکنسول	Lieutenant - Colonel Sir Hugh- vincent Bisco
۴۵	(۱۹۳۲م/۱۳۰۹ش)	سرهنگ دوم کراون ویلیام فوول	سرکنسول	Lieutenant - Colonel William Fowle
۴۶	(۱۹۳۹م/۱۳۱۶ش)	سرهنگ دوم چارلز چئوفری پریور	سرکنسول	Lieutenant - Colonel Charles Geo

ردیف	سالشمار مأموریت	اسامی	عنوان	نام
۴۷	(۱۹۴۵م/۱۳۲۲ش)	سی . جی . پلی گرو	کنسول	C. G. Pelly Gero
۴۸	(۱۹۴۶م/۱۳۲۳ش)	سروان جی . ای . گرو	کنسول	Capitan J. I. Gero
۴۹	(۱۹۴۷م/۱۳۲۴ش)	تی . ای . راجرز	کنسول	T. E. Ragers

ر . ک . به : رابینو، لویی؛ دیپلماتها و نمایندگان کشورهای ایران و انگلیس. نیز ن . ک . به : اسناد کنسولگری انگلستان در آرشیو بنیاد ایران شناسی، شعبه بوشهر.

منابع

- الهی، همایون؛ *خلیج فارس و مسائل آن*، تهران: نشر قومس، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
- فرامرزی، احمد؛ *کریم خان زند و خلیج فارس*، به کوشش حسن فرامرزی، تهران: ناشر: بی نا، چاپ اول، ۱۳۴۶.
- امین، عبدالامیر؛ *منافع انگلیسیها در خلیج فارس*، ترجمه علی میرسعید قاضی، تهران: آژنگ، چاپ اول، ۱۳۶۷.
- فلور، ویلم؛ *اختلاف تجاری ایران و هلند*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: قومس، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- تقوی، شهریار؛ *باحیدر؛ مرکز تحقیقات فارسی ایران*، پاکستان، ۱۹۹۱.
- گویینو، کنت؛ *سه سال در آسیا*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: کتابسرا، چاپ اول، ۱۳۶۷.
- حائری، عبدالهادی؛ *نخستین رویارویی اندیشه گران ایرانی با دو رویه تمدن غرب*، تهران: امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
- وادلا، ر؛ *خلیج فارس در عصر استعمار*، ترجمه شفیع جوادی، تهران: سحاب، چاپ دوم، ۱۳۶۴.
- حمیدی، جعفر؛ «*عمارت کوتی*»، *بوشهر فصلنامه آموزش و پرورش*، پاییز ۱۳۷۴، شماره ۴.
- رایت، دنیس؛ *نقش انگلیس در ایران*، فرامرز فرامرزی، تهران: فرخی، چاپ اول، ۱۳۶۱.
- ویلسون، آرنولد؛ *خلیج فارس*، ترجمه محمد سعیدی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول، ۱۳۴۲.
- رایین، اسماعیل؛ *دریانوردی ایرانیان*، تهران: چاپخانه زیبا، جلد دوم، چاپ دوم، ۱۳۵۶.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا؛ *روابط خارجی ایران از ابتدای جنگ جهانی اول*، تهران: امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۵۵.
- سایکس، سرپرسی؛ *تاریخ ایران*، ترجمه محمدتقی فخرداعی گیلانی، تهران: دنیای کتاب، جلد دوم، چاپ دوم، ۱۳۶۳.